سینمای مستند

امتحان و روایتی از یک سوال ۳۸ساله

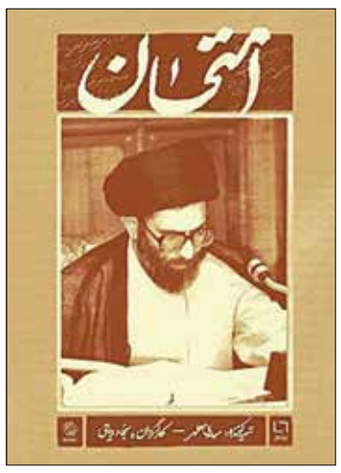

مستند «امتحان» با محوریت پاسخ به دو سوال بدون پاسخ تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی ایران ساخته شده است و می‌کوشد در قالب ارائه اسناد و مستندات تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که آیا در دهه ۶۰ میان امام خمینی(ره) و آیت‌ا... خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت بر سر انتخاب نخست‌وزیر اختلاف نظر وجود داشت؟

مستند امتحان در واقع پاسخی تصویری به مستند «خط و نشان رهبری» که توسط شبکه بی‌بی‌سی تولید شده، است. چراکه اتفاقات دهه ۶۰ به گونه‌ای تحریف‌شده بیان می‌شود. در مستند امتحان به دو حادثه تاریخی مربوط به دوران ریاست جمهوری آیت‌ا... خامنه‌ای در دهه ۱۳۶۰ پرداخته می‌شود. اولین چالشی که در این دوران مطرح می‌شود، انتخاب نخست‌وزیر است که با مشکلات و حواشی فراوانی همراه است و دومین موضوعی که در مستند امتحان به آن پرداخته شده نمازجمعه رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۶۶ و اتفاقات حول آن است.

مراحل تحقیق و پژوهش مستند امتحان به دلیل استواری ساختار آن بر پایه مستندات تاریخی یک‌سال به طول انجامیده است. این مستند در سال ۱۳۹۶ کلید خورد و نهایتا پس از دو سال مهرماه ۱۳۹۸ آماده نمایش شد.

کارگردان امتحان تأکید کرد که این مستند به‌صورت کامل بر پایه اسناد تاریخی و تصاویر آرشیوی از دهه ۱۳۶۰ تهیه شده است.

سجاد ریاحی، کارگردان و مستندساز درباره جدیدترین اثر خود گفت: «مستند امتحان از این جهت حائز اهمیت است که تا پیش از این، اثر مستقلی حول اتفاقات دهه ۶۰ و ادعاهای مطرح‌شده مبنی بر وجود اختلاف‌نظر میان آیت‌ا... خامنه‌ای و امام خمینی(ره) تولید نشده بود.»

وی یادآور شد: «مستند امتحان به دو حادثه تاریخی مربوط به دوران ریاست‌جمهوری آیت‌ا... خامنه‌ای در دهه ۱۳۶۰ می‌پردازد. اولین چالشی که در این دوران مطرح می‌شود، انتخاب نخست‌وزیر است که با مشکلات و حواشی فراوانی همراه است؛ دومین موضوع هم نمازجمعه رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۶۶ و اتفاقات حول آن است.»

این مستندساز ادامه داد: «در ماجرای انتخاب نخست‌وزیر در سال ۱۳۶۴ رسانه‌ها چنین القا می‌کردند که بین امام خمینی(ره) و آیت‌ا... خامنه‌ای اختلافاتی به وجود آمده است. این شائبه در سال ۱۳۶۶ نیز همزمان با بیانات آیت‌ا... خامنه‌ای در نمازجمعه بار دیگر قوت می‌گیرد. در این مستند سعی شده پیوند بین این دو اتفاق بازنمایی شود.»

ریاحی خاطرنشان کرد: «ایده ساخت مستند امتحان از آنجا مطرح شد که شبهات زیادی در رابطه با اختلاف‌نظر امام خمینی(ره) و آیت‌ا... خامنه‌ای در سطح رسانه‌های معاند بیان می‌شد اما از سوی رسانه‌های داخلی، پاسخ درخوری نسبت به این شبهات ایراد نشده بود و در این زمینه شاهد یک خلأ بودیم.»

این مستندساز یادآور شد: «بررسی این موضوع و یافتن جوانب پنهان ماجراهای دهه ۱۳۶۰ نیازمند انجام تحقیقات تاریخی بود. در همین راستا من همراه یک گروه پژوهشگر به مدت تقریبا یک‌سال در مورد این سوژه تحقیق کردیم و در نهایت به یک طرح کلی رسیدیم.»

مستند امتحان تولیدشده در خانه مستند و محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در قالب یک اثر ۶۵دقیقه‌ای به تهیه‌کنندگی مهدی مطهر تولید شده است و روز دوشنبه ۱۶دی‌ماه برای اولین‌بار در دهمین جشنواره مردمی فیلم عمار به نمایش در خواهد آمد.

فیلم‌ها

ماجرای نیمروز
کارگردان: محمدحسین مهدویان
سال‌تولید: ۱۳۹۵

سیانور
کارگردان: بهروز شعیبی
سال‌تولید: ۱۳۹۵

امکان مینا
کارگردان: کمال تبریزی
سال‌تولید: ۱۳۹۵

ماجرای نیمروز۲ (ردخون)
کارگردان: محمدحسین مهدویان
سال‌تولید: ۱۳۹۷

انتشار شماره جدید ماهنامه «فکه»

دویست و هجدهمین شماره ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی «فکه» از سوی مؤسسه فرهنگی-هنری جنات فکه ویژه تیر۱۴۰۰ به چاپ رسید.

این شماره از ماهنامه فکه که به پرونده ویژه پیرامون شهید مدافع‌حرم، سردار علی‌محمد قربانی می‌پردازد مطالبی با عناوین «توطئه، مقاومت؛ واکاوی و تبیین برخی از چالش‌های ملت و نظام از آغاز تاکنون، توهم یا واقعیتی چهل‌ساله»، «چراغ راه؛ بایدها و الزامات دولت جدید با توجه به صحبت‌های رهبر معظم انقلاب»، «قهر با شرق؛ تحریم المپیک مسکو»، «کاظم ابوعلی که بود؟ یادی از نماینده شهید اهل‌قلم، حجت‌الاسلام سیدمحمدکاظم دانش» و «مسوولان در مکتب بهشتی؛ نگاهی به مشی سیاسی و مدیریتی شهید بهشتی به مناسبت هفتم تیر» در آن منتشر شده است. ماهنامه «فکه» از سوی مؤسسه فرهنگی هنری جنات فکه به مطالبی مربوط به انقلاب اسلامی، دوران هشت سال دفاع مقدس و زندگینامه و سیره شهدا می پردازد.

سینما و ادبیات داستانی در بازنمایی تصویر دقیق از گروهک منافقین چقدر موفق بوده است؟

اکران ناتمام نفاق

پرداختن به سازمان تروریستی مجاهدین خلق با خلأها و چالش‌هایی هم روبه‌رو بوده است

کیوان امجدیان
فاطمه ترکاشوند
فرهنگ و هنر

سینمای ایران یک دهه است که به بازنمایی تصویر گروهک منافقین رو کرده است؛ تعداد فیلم‌های سینمایی و مستندی که به تلاش‌های مذبوحانه اعضای این سازمان در دهه ۶۰ شمسی پرداخته‌اند گرچه در دهه ۹۰ شمسی رو به فزونی گذاشته اما ناکافی است. این آثار با وجهه‌ای پژوهشی و تاریخ‌نگارانه در عین حال سعی کرده‌اند درامی مهیج و پرفراز و فرود پیش‌روی مخاطب بگذارند. این تلاش‌ها گاه به‌دلیل نزدیک‌شدن به واقعیت موجود در آن سال‌ها، بیشتر به چشم آمده و مورد استقبال هم واقع شده است. ماجرای بازنمایی ترورهای در آن دهه، موضوع چند کتاب در ادبیات داستانی هم بوده است.

روند انتشار داستان و رمان در ارتباط با این سازمان نیز مانند سینمای ایران در دهه اخیر روند روبه‌رشدی بوده است. اگر از دایره رمان و ادبیات داستانی خارج شویم و به کتاب‌های تحقیقی و پژوهشی و نیز کتاب‌های خاطره‌نگارانه دراین‌باره بپردازیم، تعداد کتاب‌های مورد بررسی‌مان بسیار بیشتر هم می‌شود اما چون در این صفحه که به «ادبیات و هنر» اختصاص دارد سعی داریم از این دو مقوله، یعنی ادبیات و هنر خارج نشویم از بررسی آن کتاب‌های سیاسی می‌گذریم و صرفا به کتاب‌های داستانی دراین‌باره می‌پردازیم. در سینما نیز عجالتا با سینمای مستند سروکاری نداشته‌ایم چون می‌خواهیم مساله «بازنمایی» را به بررسی بنشینیم؛ مساله‌ای که البته باید بیشتر مساله سینمای داستانی باشد تا سینمای مستند.

حالا می‌شود گفت جوان‌ترها هم می‌دانند سازمان مجاهدین خلق از ابتدای انقلاب تاکنون چه کرده و این آگاهی را به نوعی مدیون تلاش‌های داستان‌نویسان و فیلمسازهای‌مان نیز هستیم که در یکی دو دهه اخیر بر این موضوع تاکید کرده‌اند. در این گزارش هم لابه‌لای فیلم‌ها و داستان‌ها به چگونگی بازنمایی سه کلان روایت «خشونت افراطی»، «شست‌وشوی مغزی» و «ایدئولوژی التقاطی» در رفتار این سازمان پرداخته و همچنین از برخی خلأها گفته‌ایم. مثلا این را پرسیده‌ایم که چرا سینما و ادبیات داستانی ما از دهه ۶۰ جلوتر نمی‌آید و مناسبات برقرار بر حیات سیاسی این سازمان در سه دهه بعدی را بررسی نمی‌کند؟ علاوه بر این به چالش‌ها و مصائبی که سینمای ایران در پرداختن به این موضوع با آنها روبه‌رو بوده هم طی گزارشی که در همین صفحه خواهید خواند، اشاره‌ای کرده‌ایم.

خشونت

در صنایع وابسته به داستانسرایی چون سینما و ادبیات به خشونت، هم به چشم یک عنصر جذابیت و پول‌ساز نگاه می‌شود و هم تمام دستگاه‌های ناظر از مردمی تا دولتی، مراقبند تا از حد مجاز تجاوز نکند یا دست‌کم با رده‌بندی، تماشا و مطالعه‌اش را برای برخی گروه‌های سنی محدود کنند.

در واقعیت تاریخ اما «خشونت»، چنین ظاهر دوگانه‌ای ندارد. همیشه تلخ و گاهی حتی سبعانه و کثیف می‌شود. فاصله خشونت در واقعیت، تاریخ تا خشونت در جهان سینما و ادبیات همین قدر دراز است؛ آن قدر دراز که شاید جهان داستان از ادبیات گرفته تا سینما، تحمل نمایش همه خشونت‌های منافقین را نداشته باشد.

دو مامور به جسد نگاه می‌کنند، سیانور

بقایای جسد سوخته شریف واقفی

سینما

اگر قرار بود واقعیت خود را به شکل عریان در سینما عرضه کند، «سیانور» باید خشن‌ترین فیلم درباره منافقین می‌شد چراکه روایت‌های متعدد از شیوه قتل شریف‌واقفی، از آن یک داستان جنایی با مایه‌های اسلشر می‌سازد. اما شعیبی، زاویه دید ملایم‌تری برای طرح یک داستان عاشقانه را به روایت خود غلبه داده‌است.

بنابراین عنوان خشن‌ترین فیلم در این زمینه را بدون تردید باید به «رد خون» اختصاص داد؛ روایتی که به طبیعت بازگویی داستان یک عملیات جنگی به نام «مرصاد» مجبور است نه‌تنها خشونت جنگ را به تصویر بکشد بلکه مجبور است از خودکشی‌های سازمانی با آن شیوه تکان‌دهنده کشیدن ضامن نارنجک در جمع‌های چندنفره هم پرده بردارد؛ خشونتی که در آن، هم بخش اجتناب‌ناپذیر بمباران نیروهای مهاجم هست و هم بخش دلخراش و آزاردهنده تنها گذاشتن زن مجروح توسط شوهرش. در واقع خشونت، نه تنها عنصر مقوم بلکه عنصر اصلی و شکل‌دهنده به روایت «رد خون» است به‌طوری‌که کارگردان هم عامدانه روی نمایش آنها تمرکز می‌کند. «ماجرای نیمروز» در رده دوم در این عنوان می‌ایستد، البته بدون آن که با «رد خون» قابل مقایسه باشد. در این اثر برخلاف دومی، مهدویان اصرای بر نمایش خشونت ندارد هرچند که از آن اعراض هم نمی‌کند. برای نمایش عملیات انتحاری یک دختر تواب در آغوش خواهرش، خیلی دور می‌ایستد و در سکانس پایانی دستگیری موسی خیابانی هم صحنه بالقوه دلخراش تیراندازی معشوق به عاشق را از ما پنهان می‌کند در عین این‌که از نمایش جسدهای خون‌آلود چه اجساد قربانیان منافقین باشد و چه اجساد خود آنها، چندان اعراض ندارد.

اما تبریزی در «امکان مینا» اصلا نگاهی به خشونت به‌عنوان یکی از عناصر هویتی سازمان مجاهدین ندارد و بخشی از این مساله شاید به مقطع روایت داستان فیلم که هنوز به سال‌های ۶۰ نرسیده هم بازگردد. محور عاشقانه داستان هم مزید بر علت می‌شود و خشونت را از داستان این فیلم حذف می‌کند.

ادبیات داستانی

خشونت، شاید پرتکرارترین مضمون در ادبیات داستانی ایران مرتبط با فعالیت‌های منافقین باشد.

ماجرای اصلی رمان «تسخیرشدگان» ملیحه ذوالفقارزاده نیز مبتنی بر مشاهده خشونت است. قصه از جایی شروع می‌شود که «بهار» شخصیت اصلی این داستان، به‌واسطه نامه‌ای متوجه می‌شود که برادرش عضو سازمان مجاهدین شده‌است و برای نجات زندگی برادرش دست به اقداماتی می‌زند که باعث به خطر افتادن جان خودش می‌شود. در این مسیر روایت خشونت افراط‌گرایانه مجاهدین در سال‌های دهه ۶۰ روایت‌می‌شود.

در رمان «کلت ۴۵» حسام مطهری که اثری موفق در روایت اتفاقات سال‌های منتهی به انقلاب و ابتدای دهه ۶۰ محسوب می‌شود، بازنمایی خشونت پس از آشکار شدن مشی اصلی مجاهدین در روزهای انقلاب رخ می‌دهد؛ روزهایی که آنها منافقانه دست به ترور می‌زدند و برای رسیدن به نیات پلید نفسانی خود خلق را قربانی زیاده‌خواهی‌شان می‌کردند تا جایی که در این رمان می‌بینیم مادر به فرزندش رحم نمی‌کند. از این منظر این رمان به‌خوبی نقاب از چهره پلید گروهک منافقین و فعالیت‌های تروریستی آنها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌دارد.

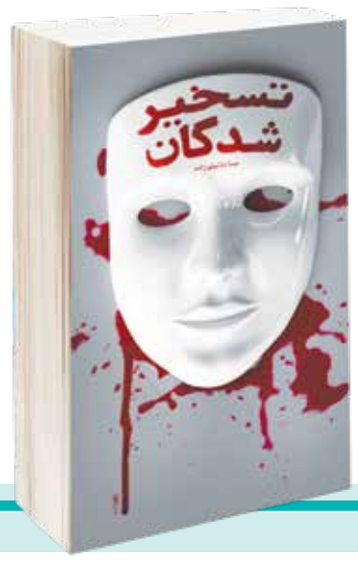

شست‌وشوی مغزی

ایدئولوژی با شیوه تغذیه افراد یک سازمان از آن ایدئولوژی متفاوت است. به همین موضوع نرم خود ایدئولوژی مربوط باشد، به رفتار سخت سازمان در نسبت میان افراد این سازمان برای ایجاد ثبات و وفاداری در میان افردی که بر آنها اعمال قدرت می‌کند آنها بهره می‌برد تا از انسان‌های آزاد، ربات‌هایی کنترل‌شده برای انجام هر عملی حتی ادبیات در «۱۹۸۴» اورول تا «توازن» وایمر در سینما دیده‌ایم اما این جهان داستانی از

سینما

می‌توانید رابطه تقی شهرام با لیلا زمردیان در فیلم سیانور را هم با این که نطفه‌های ارتباط سازمانی در شکل قاهر و مقهور از همین سال نوع روابط دارد شکل می‌گیرد. می‌توانید این شیوه از تطمیع و تحقیر تو نسبت به اعضای مطیع و حتی روش حذف را برای اعضای عصیانگر ش سال‌های بعد سازمان در اشرف بدانید؛ ولی واقعیت این است که س پس از بیانیه اعلام تغییر ایدئولوژی در سال ۵۳ و خصوصا بعد از پنا عراق و انزوا در اشرف، به یک غول شست‌وشودهنده مغز اعضا تب موضوعی که شاید به طور ضمنی و بسیار کم‌رنگ در فیلم «امکان م اشاره قرار گرفته باشد.

بنابراین ماجرای نیمروز هم تا حدودی به این نسبت سازمانی اشاره این اندازه که مسعود (مهدی زمین‌پرداز) را در داستان بگنجاند تا به راه اعضای فریب‌خورده و سمپات‌ها می‌تواند از اعضای اصلی و سرحلق اما مهدویان هم در ماجرای نیمروز چندان دأب این شکل از پرداخ را ندارد چراکه هنوز سازمان فرصت نکرده آن رویه مخوف را به نح اعضایش پیاده کند.

«رد خون» اما بهترین و البته تنها روایتی است که در سینمای ایر مجاهدین پس از انقلاب و گریخته و سرفروبرده به لاک اشرف می‌پرد چند سکانس درون اشرف و تعامل اعضا با هم و با ریاست سازمان را ه جایی که اعضا برای آنچه تطهیر و تنزیه درون‌شان خوانده می‌شود، اق اعترافاتی درباره علاقه به فرزندان‌شان و عشق‌های گذشته به ه می‌کنند و بابت این علاقه‌ها شماتت و سرزنش می‌شوند تا بار دیگ خود بزدایند. اعضا در جلساتی بزرگ برای دیدار با رجوی جمع می‌ش ربات‌گونه‌ای چون تکرار شعارهای از پیش تعیین شده دارند.